

پژوهشنامه اندیشه معاصر

سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۹۹-۱۱۶

نقش و جایگاه احزاب و گروه‌های شیعه در عراق با تأکید بر همگرایی با ایران

مجتبی میری^۱، میثم نوزری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۰

چکیده

پس از فروپاشی رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ در جریان حمله نیروهای امریکا و متحدانش، شیعیان که به عنوان اصلی‌ترین گروه اپوزیسیون در این کشور بودند، با موقعیت ویژه‌ای مواجه شدند. مشارکت در روند بازسازی نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی جدید، امکان نقش آفرینی هر چه بیشتر شیعیان در عراق را فراهم کرد. بدین جهت پژوهش حاضر در پی نشان دادن همین ظهور و جهش به سمت قدرت در میان احزاب و گروه‌های شیعی عراق است. از این رو بررسی نقش و جایگاه مهمترین احزاب و جریانات شیعه در صحنه سیاسی امروز عراق و میزان همگرایی آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران با روش توصیفی - تحلیلی از رسالت‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: شیعیان، همگرایی، احزاب، جمهوری اسلامی ایران، عراق

۱. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی: mojtabamiri43@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی تربیت مدرس: meisamnozari@gmail.com

مقدمه

پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ این کشور شاهد تغییر و تحولات عمیق در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی گردید. در این برهه از زمان، جناح‌ها و گروه‌های درگیر در عراق جدید به سه جریان اصلی شیعه، کرد و سنی تقسیم شدند که هرکدام به نحوی تلاش داشتند در منازعات و رقابت‌های سیاسی و اغلب در چارچوب انتخابات سهم بیشتری از قدرت را به دست آورند. در این میان وضعیت برای هرکدام از طرف‌های درگیر متفاوت بود. در جبهه جریانات سنی به نوعی شاهد مشارکت ناپایدار و اندک گروه‌ها و احزاب سیاسی بودیم. این جریان به سبب تجربه تاریخی نه چندان رضایت‌بخش در قالب حزب بعث و قبضه بلامنازع قدرت و عدم ایجاد شرایطی برای حضور سایر گروه‌ها (شیعه و کرد) در ساختار سیاسی، مورد استقبال مردم عراق قرار نگرفت. در مقابل دو جریان شیعه و کرد به سبب محرومیت از قدرت در زمان حزب بعث و همچنین تشکیلات قوی و جمعیت زیاد، نقش مهم و اساسی را در روند تحولات عراق ایفا کردند. بنابراین پس از چندین دهه در این زمان بود که شیعیان فرصت مطالبه حقوق و جایگاه خود را در عرصه سیاسی عراق به دست آوردند. آنان در قالب احزاب و جریاناتی همچون جریان آیت‌الله سیستانی، مجلس اعلای عراق، جنبش صدر، حزب الدعوه، و غیره بیشترین کرسی‌های پارلمان را به دست آورده و در تشکیل دولت و تصویب قانون اساسی نقش مؤثر و سازنده ایفا کردند (فولر، ۱۳۸۴: ۲۱۹). ازاین‌رو مشارکت فعال شیعیان در تحولات عراق واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت به طوری که نیروهای موازنه خواه در خاورمیانه، با تحریک اقوام کرد از یکسو و اعراب سنی از سوی دیگر و در راستای تأمین منافع خود در جهت تجزیه عراق گام برداشتند. از همین رو حوادث و تحولات چند سال اخیر عراق نیز مؤیدی بر این مدعاست که در قالب عملیات تروریستی و ظهور گروه‌ها و جریانات افراطی همچون داعش سعی در ناامن کردن و بی‌ثباتی این منطقه از جهان دارند. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش به این صورت است که جایگاه احزاب و گروه‌های شیعی در روند تحولات و آینده سیاسی عراق چیست؟ چه نسبتی بین میزان همگرایی احزاب و گروه‌های شیعی با ایران و عملکرد و کارکرد آن‌ها در آینده سیاسی عراق وجود دارد؟

در پاسخ به این سؤال، فرضیه پژوهش چنین مطرح می‌کند که، با توجه به سابقه تاریخی روابط ایران و عراق و جمعیت حداکثری شیعه در این کشور و همچنین همکاری ایران در حفظ امنیت در عراق، آینده سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی شیعه در عراق بستگی وثیقی با ارتباط و همگرایی آن‌ها با ایران دارد و هرگونه موفقیت و بقا در صحنه سیاسی عراق برای احزاب و گروه‌های شیعه از مجاری همکاری و همگرایی با ایران می‌گذرد.

۱. حزب الدعوه

"حزب الدعوه الاسلاميه" مهمترين حزب اسلامي عراق طی نیم قرن اخیر است. این حزب در سال ۱۹۵۷ با گرایشی انقلابی و اصلاحی توسط علامه سید مرتضی عسکری و شاگردان و پیروان محمدباقر صدر تأسیس شد (ادبی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). حزبی که بسیاری از ویژگی‌هایش را از انقلاب بزرگ عراق در سال ۱۹۲۰ به رهبری علمای حوزه نجف اشرف به ارث برده است (شاناهان، ۱۳۸۷: ۲۵۳). هم‌زمان با گسترش و ظهور جریان‌های کمونیستی و مارکسیستی در عراق، علما و روحانیان برجسته شیعه به ویژه آیت‌الله صدر در جهت احیای نهادهای دینی به مقابله با آنان برخاستند. آیت‌الله صدر با نگارش کتاب «فلسفتنا» و «اقتصادنا» عملاً به مقابله با گروه‌های چپ‌گرا پرداخت؛ و زمینه را برای پایه‌گذاری حزبی تحت عنوان «حزب الدعوه» فراهم کرد. واژه «دعوه» در مفهوم مذهبی به معنای دعوت بشر به ایمان آوردن به دین مبین اسلام، اما این کلمه در مفهوم سیاسی، دعوت مردم به اتخاذ آرمان اسلام در زندگی اجتماعی - سیاسی است. (صدر، ۱۳۶۲: ۶).

همزمان با روی کار آمدن حزب بعث در عراق، حزب الدعوه تاکتیک و استراتژی خود - تبلیغ آموزه‌های اسلام و احیای نهادهای دینی - را تغییر داد. و با اتخاذ یک رویکرد انقلابی به تحکیم جایگاه خود در میان اقشار مختلف مردم در شهرهای مذهبی عراق پرداخت. مسئله‌ای که با حساسیت و نگرانی بعضی‌ها و به‌ویژه صدام حسین که داعیه رهبری عراق قدرتمند را داشت، مواجه شد. در زمانی که صدام با شیوهای سرکوبگرانه، جو سنگین رعب و وحشت در عراق به راه انداخته بود و با سیاست‌های غیرمذهبی دولت را به شکل ضد اسلامی درآورد بسیاری از شیعیان در قالب حامیان حزب الدعوه علیه وی جبهه گرفتند (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۲۰۳) همچنین آیت‌الله صدر فتوایی صادر کرد که در آن حزب بعث به «شک و الحاد» متهم شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشدید اقدامات رژیم بعث علیه رهبران این حزب، بسیاری از پیروان آن به ایران مهاجرت کرده و مبارزات خود را در خارج از عراق ادامه دادند (مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳: ۸۶).

در مورد ارتباط و همگرایی حزب الدعوه با جمهوری اسلامی باید اشاره کرد که همواره میان علما و روحانیان ایران و عراق ارتباط‌هایی وجود داشت که حلقه واسط آن، به موقعیت جغرافیایی عراق در همسایگی ایران، قرار گرفتن حرم امامان معصوم (ع) در این کشور و همچنین مراودات علمی و فقهی میان حوزه نجف و قم برمی‌گردد. اما به‌طور مشخص حضور امام خمینی (ره) در عراق و اهتمام ایشان به تدریس و تدوین فقه سیاسی شیعه، موجب گرد آمدن بسیاری از رهبران حزب الدعوه به دور ایشان شد. از آن جمله سید محمدباقر صدر، رهبر وقت جنبش عراق که مؤسس اصلی حزب الدعوه هم بود در درس ایشان شرکت داشت و بسیاری از افکار انقلابی امام توسط ایشان به شیعیان عراق از جمله اعضای حزب الدعوه انتقال پیدا کرد (مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳: ۸۶). همین تأثیرات امام خمینی

(ره) و پیروزی جمهوری اسلامی ایران بود که باعث شد قیام ۱۳ رجب^۱ به عنوان اولین قیام مردمی شیعیان عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران رخ دهد (غفاری، ۱۳۹۱: ۲۵۷).

پس از انتخابات سال ۲۰۰۵ و نخست وزیری نوری مالکی ارتباط میان جمهوری اسلامی و حزب الدعوه مثبت تر و مستمرتر شد. به طوری که ایران در چارچوب سیاست حکیمانه خویش اولین کشوری بود که دولت جدید عراق را به رسمیت شناخت و در جهت پیشرفت روند سیاسی این کشور به ویژه تدوین قانون اساسی و ایجاد نهادهای مدنی و تثبیت امنیت در عراق نقش فعالی ایفا کرد. همچنین، در بین کشورهای همسایه بیشترین کمکها و حمایت‌های مالی و امنیتی از مردم عراق را تأمین کرد و بازسازی برخی از شهرها و مناطق آن را بر عهده گرفت. در مقابل دولت نوری مالکی نیز در جهت تقویت همگرایی با ایران اقداماتی همچون اخراج گروهک‌های منافق ایرانی از پادگان اشرف، همسو با ایران به ضرورت خروج نیروهای آمریکایی و حمایت از ایران بر سر مناقشه سوریه و حمایت از بشار اسد انجام دادند. ایشان همچنین بارها به ایران سفر داشته‌اند و همواره در برابر موضع‌گیری‌های آمریکایی‌ها بر ضد ایران به دفاع از ایران پرداخته و ایران را برادر و حامی عراق معرفی کرده است. به عنوان مثال نوری مالکی در برابر اتهام‌هایی که مبنی بر کمک‌های جمهوری اسلامی ایران به شبه نظامیان جیش المهدی برای گسترش بی‌ثباتی و ناامنی در عراق مطرح شد از کشور (اخبار شیعیان: ۱۳۸۷، ۳۷). در این زمان ارتباط جمهوری اسلامی ایران و دولت شیعی عراق به حدی خوب بوده که در دسامبر ۲۰۰۵ وزیر خارجه‌ی عربستان سعودی در سفری به آمریکا از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیزی که وی آن را «تحویل عراق به ایران» در نتیجه حمله‌ی آمریکا به این کشور نامید، سخن راند (Ehteshami and Zweiri, 2007: 133).

پس از نوری المالکی جانشین وی یعنی حیدر العبادی نیز از حزب الدعوه به نخست‌وزیری انتخاب شده است. روند برکناری مالکی و به قدرت رسیدن حیدر العبادی حاصل همگرایی میان ایران و مرجعیت بیدار (آیت‌الله سیستانی) بوده است. ارتباط حیدر العبادی با جمهوری اسلامی به مانند نوری المالکی نیست بلکه وی از سیاست چندجانبه‌گرایی در عراق پیروی می‌کند و در کنار ارتباط با ایران، پیوندهایی را با کشورهای همسایه چون ترکیه، عربستان، اردن، امارات، قطر و ... برقرار کرده است به عبارت دیگر وی به دنبال جا انداختن یک گفتمان عراقی از طریق توافق و گفتگو میان همه بازیگران داخلی و خارجی صحنه سیاسی عراق است. در مورد زمینه‌های همگرایی میان حزب الدعوه و جمهوری اسلامی می‌توان به نقش‌آفرینی ایران در ایجاد وحدت و انسجام میان رهبران اصلی حزب اشاره کرد؛ از آنجایی که میان اعضای حزب الدعوه چه در زمینه رهبری سیاسی و چه در زمینه رهبری دینی اختلافاتی وجود دارد. جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت وحدت میان آنها اقدام کند.

^۱ . قیام ۱۳ رجب سال ۱۳۹۹ ه ق / ۱۹۷۹ م اولین قیام مردمی شیعیان عراقی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که تا شروع جنگ تحمیلی (۱۹۸۰ م) ادامه یافت. این حرکت در واقع، بازتاب مستقیم و فوری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عراق به شمار می‌آید.

از دیگر زمینه‌های همگرایی و سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در حزب الدعوة، تأکید بر حفظ رویه اسلامی و حرکت در مسیر اصول اسلام برای نقش‌آفرینی بیشتر در تحولات عراق است. این حزب همان گونه که از نام آن پیداست؛ تا قبل از سقوط رژیم بعث رسالت خود را دعوت به مبارزه بر اساس آرمان‌ها و موازین اسلام قرار داده است. اما هم اکنون از بسیاری از اصول سابق خود فاصله گرفته و بر مفاهیمی چون آزادی، قانون، مشارکت سیاسی و مشروعیت نظام و حکومت در خارج از تعالیم اسلام تأکید می‌کند.

مجلس اعلا اسلامی عراق

در میان احزاب و گروه‌های سیاسی عراق، مجلس اعلائی اسلامی بیشترین همکاری و نزدیکی را با ایران دارد. پس اعدام آیت‌الله سید محمدباقر صدر و روحانیان دیگر و آغاز جنگ ایران و عراق، شمار زیادی از روحانیان عراقی به همراه بسیاری از طرفدارانشان رهسپار ایران شدند. آیت‌الله سید محمدباقر حکیم از جمله روحانیانی بود که به ایران مهاجرت کردند. آیت‌الله حکیم و دیگر رهبران روحانی و غیرروحانی، برای هماهنگ کردن فعالیت‌های گروه‌های شیعی که در آن زمان به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته بودند، در سال ۱۹۸۲ در تهران و با پشتیبانی حکومت ایران، «مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق» را تشکیل دادند (فولر، ۱۳۸۴: ۲۰۹). این مجلس باهدف ایجاد همگرایی و وحدت در میان گروه‌های معارض عراقی علیه رژیم بعثی، تدوین استراتژی فعالیت‌های معارضان و حل مشکلات آوارگان عراقی فعالیت خود را آغاز کرد.

مجلس اعلا دارای مهم‌ترین سازمان سیاسی شبه‌نظامی مخالف صدام در قالب سپاه بدر بود. این سازمان پس از سرنگونی رژیم بعث نقش مهمی در تأمین امنیت و امور انتظامی در مناطقی که دارای نفوذ بود، برعهده گرفت. اعضای ارشد سپاه بدر هم اکنون در ساختارهای نظامی و انتظامی جدید عراق نیز فعال هستند و از حمایت و پشتیبانی مرجعیت نیز برخوردار است. این سازمان همچنین همزمان با ظهور داعش و گروه‌های سنی افراطی در سال ۲۰۱۴ در عراق، بیکار ننشسته و در آزادسازی شهرهای اشغال شده و دفاع از حریمین معصومین، فعال بوده است.

مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق در دوره پس از صدام نام خود را به مجلس اعلائی اسلامی عراق تغییر داد. درباره نقش مجلس اعلا در فرآیند دولت‌سازی، باید گفت که مهم‌ترین محور فعالیت مجلس اعلا در قبال شکل‌گیری ساختار دولت آینده عراق، کمک به فروپاشی نظام حکومتی سنی محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه محور است. در عین حال درصدد رفع نگرانی دولت‌های عربی در زمینه نقش و جایگاه شیعیان در دولت عراق است (دهشیار، ۱۳۸۲: ۶۳). این حزب رابطه نزدیک خود را با ایران و تعامل مشروط خود با آمریکا را در راستای سیاست‌های راهبردی تعیینی خویش به‌پیش می‌برد. رهبران مجلس اعلا بیشترین کوشش خود را برای هماهنگی با مراجع تقلید به ویژه آیت‌الله سید علی سیستانی انجام می‌دهد و سید عبدالعزیز حکیم تماس‌های منظمی را با مرجعیت به عمل می‌آورد (Faleh, 2003, 235).

مجلس اعلا همواره از پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران برخوردار بوده و دارای دفاتر و نمایندگی‌هایی در شهرهای مختلف ایران است. ارتباط نزدیک بین مجلس اعلا و جمهوری اسلامی ایران به حدی بود که در طی جنگ تحمیلی رزمندگان سپاه بدر شاخه نظامی مجلس اعلا در عملیات‌های ایران علیه عراق شرکت کردند (غفاری، ۱۳۹۱: ۲۵۵). به طور کلی نگاه گروه‌های شیعی به ایران در جهت کسب حمایت تا حدی تحت تأثیر میزان رابطه این گروه‌ها با ایران و همچنین شدت و وسعت حلقه‌های ارتباطی بین دو طرف قرار دارد. مجلس اعلا اسلامی دارای گرایش بیشتری نسبت به ایران است و ارتباط آن با مقامات ایرانی نیز قوی‌تر است. این گرایش تا حد زیادی به این واقعیت مربوط می‌شود که همان طور که ذکر شد اکثر رهبران مجلس اعلا سال‌های تبعید خود را در ایران سپری کردند و در طول سال‌های جنگ ایران و عراق نیز در کنار مردم ایران بودند (Katzman, 2006: 1).

یکی دیگر از مسائلی که در مقطع کنونی دیدگاه بسیار مثبت مجلس اعلا را نسبت به جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد مواضع رهبر فعلی حزب (سید عمار حکیم) درباره جمهوری اسلامی ایران است. سید عمار حکیم همواره در سخنان خود ارتباط با ایران را بسیار مهمتر از ارتباط با کشورهای عربی شمرده‌اند. ایشان گفته‌اند: ما مخالف دیدگاه فاصله گرفتن عراق از جمهوری اسلامی ایران برای نزدیکی به کشورهای عربی هستیم. وی ارتباط مجلس اعلا با جمهوری اسلامی ایران را نیز بسیار نزدیک و برادرانه معرفی کرده‌اند (حیدرخانی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). در نتیجه باید گفت که رهبران مجلس اعلا اگرچه در ابتدای ورود به عراق، بنا به مصلحت شیعیان از ایده حکومت اسلامی که مطابق میل جمهوری اسلامی ایران بود دست کشیدند اما ارتباط آن‌ها با ایران هرگز کم نشد و در این مدت همواره با جمهوری اسلامی ایران ارتباطات بسیار نزدیکی را داشته‌اند و از سیاست‌های ایران حمایت کرده‌اند. در مورد زمینه‌های مهم همگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و مجلس اعلا می‌توان به تقویت بنیه نظامی و تجهیز سپاه بدر برای مقابله با تهدیدات احتمالی (داعش) اشاره کرد. با توجه به اینکه عراق تا برقراری امنیت کامل و ثبات سیاسی راه زیادی دارد از این رو سپاه بدر دارای نقش مهمی در مقابله با گروه‌های سنی افراطی است.

با توجه به حضور طولانی مدت اعضای مجلس اعلا در ایران و آشنایی کامل آن‌ها با محیط سیاسی و اجتماعی ایران، این حزب می‌تواند به نوعی مفسر سیاست‌های جمهوری اسلامی در عراق باشد. بدین گونه که در میان دیگر گروه‌های شیعی بر حسن نیت سیاست‌های ایران در مورد آینده عراق تأکید کند. این امر به ویژه در میان پیروان صدر می‌تواند مورد اهمیت قرار بگیرد. از سوی دیگر رهبران مجلس برخلاف اوایل انقلاب ایران و در زمان رژیم پهلوی به گونه‌ای ملموس از رویه و روحیه انقلابی خود فاصله گرفته و در برخی حوادث و تحولات (تسخیر پارلمان عراق توسط پیروان صدر) موضعی منفعل اتخاذ کردند. باری این امر می‌تواند در شرایط فعلی عراق به ضرر مجلس اعلا تمام شود.

۲. حوزه آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی

پس از فوت آیت‌الله خویی، آیت‌الله سیستانی زمام مرجعیت حوزه علمیه را به دست گرفتند. و خیلی زود به چهره بانفوذ حوزه‌های علمیه شیعه در این کشور تبدیل شدند. در واقع، آیت‌الله سیستانی به تعبیری هم‌اکنون رهبری مسلم دینی شیعیان عراق و در کنار مراجع ایرانی از مراجع مطرح جهان تشیع است؛ چرا که افزون بر عراق، پاکستان، افغانستان، عربستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شیعیانی هم در اروپا، آمریکا و ایران از وی تقلید می‌کنند. آیت‌الله سیستانی طی یک دهه اخیر، به گفته بسیاری از تحلیلگران عراقی، شیوه‌ای مؤثر از نقش‌آفرینی روحانیت شیعه در شرایط پرتلاطم و حساس عراق در پیش گرفته است که مدیریت "بحران نجف" در سال ۲۰۰۴ نمونه‌ای از آن است (الخفاف، ۲۰۰۷: ۲)؛ شیوه‌ای که سرفصل آن را شاید بتوان "تقدم سکوت و مسالمت فعالانه بر تحرک و خصومت منفعلانه" دانست. فاصله حساب شده‌ای که او از نهادهای قدرت، چه محلی و کشوری و چه منطقه‌ای و بین‌المللی، اتخاذ کرده است، وی را در مقامی مشابه مقام سلفش، میرزای شیرازی، برای پاسخگویی به نیازهای جامعه موکل خود قرار داده است. این جایگاهی است که تبعات بهره‌گیری از آن در این موقعیت، به هر کیفیت که باشد، بی‌شک به بحران‌های فعلی محدود نمی‌ماند و در آینده جامعه شیعی عراق نیز تأثیرگذار خواهد بود.

آیت‌الله سیستانی در مدت حاکمیت رژیم بعث ضمن عدم ارتباط با جهان خارج، در جهت حفظ و نگهداری حوزه علمیه، دست به اقدامی که سبب تجاوز رژیم بعث به حوزه علمیه شود نزد، و به عقیده ایشان، این رفتار بود که سبب شد تا حوزه علمیه نجف حفظ شود (الخفاف، ۲۰۰۷: ۹۴). رویکرد حوزه نجف به مرجعیت آیت‌الله سیستانی، در دوران رژیم صدام تقیه بوده است چراکه در این دوران، سکوت مؤثرترین شیوه زنده ماندن و حفظ ذخایر انسانی حوزه بود. پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام، آیت‌الله سیستانی ضمن مخالفت با اشغال عراق و عدم مصالحه با اشغالگران بر برگزاری هرچه سریع‌تر انتخابات آزاد تأکید می‌کرد. در مقابل آمریکا به بهانه اینکه شرایط برای انجام انتخابات فراهم نشده است مانع از برگزاری انتخابات می‌شد. در این زمان تظاهرات صد هزار نفری با خواست انتخابات همگانی در ژانویه ۲۰۰۴ در بغداد برگزار شد که بسیاری از سنی‌ها نیز در آن شرکت داشتند. این تظاهرات قدرت‌نمایی مرجعیت برای تحمیل خواسته خود به آمریکایی‌ها محسوب شد (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۷). از سوی دیگر، دیدگاه مرجعیت دینی شیعه در نجف نیز بسیار حائز اهمیت است. آیت‌الله سیستانی در مورد رابطه دین و سیاست در عراق مبتنی بر این است که هیچ قانونی مغایر با اصول اسلامی نباید به تصویب برسد. و در مقابل معتقد به عدم دخالت مرجعیت دینی در امور اجرایی و جزئی است (الخفاف، ۲۰۰۷: ۱۸ و ۲۳). از همین رو آیت‌الله همچنان به استراتژی سنتی خود در مورد ضرورت عدم دخالت در امور مردم عراق پایبند است و با توجه به بافت چندگانه قومی و مذهبی این کشور، صرفاً در امور کلان، آن هم در سطح ارشادی نظر داده و از دخالت در جزئیات تحولات سیاسی و روندهای اداری این کشور پرهیز می‌کند. بدین ترتیب، این رویکرد موقعیت نهاد مرجعیت را در مرتبه بالایی از قداست قرار داده است (موسوی، ۱۳۸۹: ۳۱).

^۱ بحران نجف اشاره دارد به درگیری‌های سال ۲۰۰۴ میان ارتش المهدی از یکسو و نیروهای اشغالگر آمریکایی و دولت عراق از سوی دیگر است. که دامنه این درگیری‌ها تا مرکز شهر نجف و حرم شریف علوی نیز رسید. نهایتاً با وساطت و راهنمایی‌های آیت‌الله سیستانی حل و فصل شد.

آیت‌الله سیستانی در تغییر نخست‌وزیر عراق (نوری المالکی) و انتصاب نخست‌وزیر جدید نیز نقشی مهم ایفا کرد. او در یازدهم رمضان ۲۰۱۴ در نامه‌ای به اعضای رهبری حزب الدعوه عراق که نوری المالکی رهبری آن را بر عهده داشت نوشت: با توجه به شرایط بحرانی موجود در عراق و ضرورت تعامل با بحران‌های گریبانگیر آن با دیدگاه متفاوت تر از آنچه در کشور جاری است من ضروری می‌بینم که در جهت انتخاب نخست‌وزیر جدیدی که از موافقت و اجماع ملی برخوردار باشد و بتواند با رهبران سیاسی و دیگر گروه‌ها کشور را از تهدیدهای تروریستی و جنگ‌های طوایفی و تقسیم نجات دهد تسریع شود.

در پی ظهور داعش، سقوط موصل و پیشروی نیروهای داعش به سمت بغداد و کربلا، این مرجع تقلید شیعه فتوا جهاد صادر نمود. برای دفاع از شیعیان خواسته تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند». سخنگوی وی اعلام کرده است که «شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند» در پی این فتوا و نام‌نویسی تعداد زیادی از مردم، نیروهای بسیج مردمی عراق (به عربی حشدالشعبی) تشکیل شد. این نیروها نقش حیاتی در بازپس‌گیری شهرهای اشغال‌شده عراق مانند الرمادی و تکریت از سلطه داعش داشته‌اند.

آیت‌الله سیستانی به جهت جایگاه والای دینی، سیاسی، اجتماعی و علمی بسیار مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است و در همین راستا مسئولین رده بالای نظام همواره در خلال دیدارهای خود با طرف‌های عراقی، به دیدار این مرجع عالیقدر هم می‌روند. میزان همگرایی آیت‌الله سیستانی با جمهوری اسلامی در سطح مطلوبی قرار دارد و همواره از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان و همچنین نقش برجسته آیت‌الله خامنه‌ای در تدوین این سیاست‌ها حمایت کرده است. به‌طوری‌که در جریان حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام ضمن محکوم کردن این اقدام، همسو با مواضع جمهوری اسلامی بر خروج اشغالگران از عراق تأکید داشتند. ایشان گرچه در ایران حضور ندارند اما این فاصله مانع از آن نشده که نسبت به تحولات ایران بی‌اعتنا بوده باشند و مرتباً و از زبان خودشان نقل شده است که پیگیر اخبار و وقایع ایران هستند. برای نمونه می‌توان به دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۸۷ اشاره کرد که در این دیدار آیت‌الله سیستانی ضمن ارشاد و نصیحت آیت‌الله رفسنجانی به ایشان توصیه کرد که نسبت به رهبری تبعیت بیشتری داشته باشند.

با توجه به نقش آیت‌الله سیستانی در جهت‌دهی به تحولات عراق و همچنین شخصیت مدبر و جامع‌الشرایط وی جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت تجمیع فعالیت‌ها و اهداف همه احزاب و گروه‌های شیعه در راستای مواضع ایشان تلاش کند. این امر موجب تقویت انسجام و وحدت میان احزاب و گروه‌های شیعه می‌شود و به تبع آن مواضع شیعیان را در سطح بالاتری نسبت به دیگر بازیگران سیاست در عراق قرار می‌دهد. البته ذکر این نکته مهم است که هرچند مشی آیت‌الله سیستانی در عرصه سیاسی مبتنی بر عدم دخالت است اما در شرایط کنونی که عراق با بحران‌های

مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... مواجه است سکوت و عدم مشارکت آیت‌الله سیستانی در برخی زمینه نمی‌تواند به نفع ملت و دولت عراق باشد؛ زیرا که این استراتژی و خط فکری مخصوص دوران صلح و ثبات است نه وضعیت فعلی عراق. به همین جهت جمهوری اسلامی باید خواستار نقش‌آفرینی بیشتر آیت‌الله سیستانی در روند تحولات عراق باشد.

همچنین آیت‌الله سیستانی به جهت رویه رفتاری مصالحه جویانه و مواضع مردم‌سالارانه همواره مورد توجه احزاب و گروه‌های مختلف با هر گرایش اندیشه‌ای، قومی، مذهبی است. و همه گروه‌ها بر حسن نیت مواضع و توصیه‌های ایشان آگاه هستند. همین عامل می‌تواند زمینه‌ساز حوزه جدیدی در همگرایی میان ایران و حوزه نجف باشد به این معنا که آیت‌الله سیستانی و پیروان ایشان در عراق می‌توانند پل ارتباطی جمهوری اسلامی با احزاب و گروه‌های سنی، مسیحی، کرد، ترکمن، ایزدی و ... باشد. و همچنین این عامل می‌تواند مانع تجزیه عراق شود.

۳. حوزه آیت‌الله صدر

جریان صدر به رهبری مقتدا صدر، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین جریان‌های حوزوی در صحنه سیاسی عراق است. که در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی عراق حضور فعالی دارد. تاریخچه شکل‌گیری این جریان به دوران حاکمیت رژیم بعث و اقدامات آیت‌الله محمد صدر (پسرعموی آیت‌الله محمدباقر صدر) علیه این رژیم برمی‌گردد. آیت‌الله صدر به دیدگاه حکومتی شیعه و دخالت مستقیم و آشکار در سیاست نگاه ویژه‌ای داشت. از مهمترین مواضع و اقدامات سیاسی و مذهبی ایشان می‌توان به احیای سنت نماز جمعه در عراق، ایجاد دادگاه اسلامی در برابر دادگاه دولتی - که به جای قانون مصوب دولت بر پایه حکم شرع عمل می‌کرد - انتشار مجله الهدی که در آن مواضع سیاسی اجتماعی و مذهبی خود را اعلام می‌کرد (shakhsiatnegar.com).

آیت‌الله صدر همچنین از حامیان نظام جمهوری اسلامی ایران بود و بر وحدت اسلامی بسیار تأکید داشت. وی نسبت به امام خمینی (ره) احترام خاصی قائل بود و درباره آیت‌الله خامنه‌ای نیز چنین نظر داشت: «دولت ایران، دولت ولی‌فقیه و آیت‌الله خامنه‌ای ولی امر مسلمانان است» (اسدی، ۱۹۹۹: ۴۲). صراحت ایشان در انجام همین اقدامات و مواضع بود که رژیم بعث درصدد حذف و ترور ایشان برآمد. از این رو در سال ۱۹۹۹ توسط نیروهای امنیتی رژیم بعث در شهر نجف به شهادت رسید. با شهادت آیت‌الله صدر ریاست حوزه به دست فرزند جوان او، مقتدا صدر افتاد.

پس از حمله نظامی آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام، مقتدی صدر با اقدامات گسترده مؤسسات خیریه و دفاتر پدرش در شهرهای مختلف عراق را دوباره فعال ساخت و اشخاص مهم و تأثیرگذاری همچون شیخ محمد یعقوبی را که مقلد آیت‌الله محمد صدر بودند را سازمان‌دهی و اطراف خود جمع کرد. سپس با تدوین مرامنامه‌ای که در آن بر لزوم تشکیل حکومتی بر اساس احکام اسلامی و اقامه حدود شرعی برای آینده عراق تأکید شده بود، وارد صحنه سیاسی و اجتماعی این کشور شد (پشننگ، ۱۳۸۹: ۵). در این زمان مقتدا صدر ضمن محکوم کردن اشغال عراق، برای مقابله با

نیروهای آمریکایی سازمان نظامی‌ای را در تابستان ۲۰۰۳ تحت عنوان جیش المهدی تأسیس کرد و هدف آن را حمایت و پشتیبانی از شیعیان عراق و نهادهای و ساختارهای مذهبی شیعیان (حوزه علمیه و اماکن مقدس) اعلام کرد. در همین راستا درگیری‌هایی نیز با نیرو اشغالگر آمریکایی در نجف به وجود آمده بود.

جریان صدر تا سال ۲۰۰۵ با اتخاذ استراتژی بر هم زدن نظم آمریکایی در عراق از مشارکت سیاسی خودداری می‌کرد و درگیری با اشغالگران را ترجیح می‌داد ولی بعد از این مقطع، استراتژی گروه صدر از تحریم روند سیاسی به مشارکت تغییر کرد و مورد توجه بخشی از جامعه شیعه عراق قرار گرفت. تا اینکه در جریان انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۵ در قالب ائتلاف عراق یکپارچه توانست حدود ۳۳ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. در انتخابات شوراهای استانی سال ۲۰۰۹ در قالب فهرستی جداگانه مشارکت نمود و توانست ۴۱ کرسی از مجموع ۴۶۰ کرسی شوراهای استانی را به دست آورد. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در قالب ائتلاف ملی عراق مشارکت کردند و توانستند ۴۰ کرسی پارلمان را به دست آورند.

جریان صدر نسبت به سایر جریان‌های شیعی در محیط سیاسی عراق از روایت و قرائت خاصی تبعیت می‌کند. تأکید بسیار این جریان بر عنصر عربیت و هویت عربی در مبارزات سیاسی عراق سبب ایجاد اختلاف‌هایی با مرجعیت اعلای نجف که عموماً اصلیت غیرعربی دارند شده است. در آمیختگی شعارهای مذهبی با مباحث قومی و نژادی برای بسیاری از جوانان شیعه عراقی جذاب و لذت‌بخش بوده است و همین امر سبب اقبال جوانان به این سازمان شده است. مقتدا صدر سال‌های بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ حضور خود در صحنه تحولات سیاسی عراق را کاهش داد. و برای تکمیل تحصیلات فقهی خود در حوزه علمیه قم وارد ایران شد. وی در مورد علل کناره‌گیری‌اش از فضای سیاسی عراق یکی وصیت پدرش مبنی بر ادامه تحصیلات دینی، عدم آزادسازی عراق و همچنین عدم اجرای دستورات وی از جانب اعضای جناح صدر اعلام کرد (اخبار شیعیان عراق، ۱۳۸۸، شماره ۲۹).

پس از تظاهرات و تحصن سنی‌های وابسته به حزب بعث در غرب عراق بر ضد دولت مرکزی مالکی در سال ۲۰۱۳ و در ادامه، ظهور افراط‌گرایان داعش و سقوط شهر موصل در سال ۲۰۱۴، مقتدی صدر در کنار فتوای آیت‌الله سیستانی، اعلان جهاد داده و به دفاع از «اماکن مقدس» و «شیعیان» اقدام نمود. این جریان با داشتن نیروهای «سرایا الاسلام»^۱ به مبارزه با داعش پرداخت اما از طرف دیگر نسبت به تحولات سیاسی نیز غافل نبوده به این صورت که جنبش صدر به رهبری مقتدی خواستار تشکیل دولتی تکنوکرات (فن‌مدار) به ریاست حیدر العبادی، کنار گذاشتن گرایش‌های مذهبی و قومی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و همچنین عدم دخالت کشورهای خارجی به ویژه ایران در امور داخلی عراق شده است. از همین رو طرفداران این گروه بارها با برگزاری اجتماعات گسترده، خواستار اجرای این اصلاحات در دولت

^۱ در سال ۲۰۰۸ مقتدا صدر جیش المهدی را منحل کرد. و به جای آن را سازمان نظامی «سرایا السلام» را تشکیل داد که در حال حاضر علیه داعش فعالیت می‌کند: از جمله در عملیات باز پس‌گیری جرف الصخر و تکریت.

عراق شده‌اند که در تازه‌ترین این اقدامات با تسخیر پارلمان عراق سعی در تحت فشار قرار دادن پارلمان و اعمال اصلاحات حیدر العبادی شده‌اند.

روابط جریان صدر با جمهوری اسلامی در طی دهه گذشته دارای نوسان‌های بسیاری بوده است. عمده‌ترین دلیل آن می‌تواند تأکیدی باشد که این جریان بر مبارزه در داخل عراق برای سرنگونی رژیم بعث داشت. و از این رو روابط آن با جمهوری اسلامی کمتر از دیگر جریان‌ها بوده است. حضور مقتدا صدر در ایران در سال ۲۰۰۷ برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود باعث شد تا آمریکا، موجی از اتهامات را علیه ایران درباره قاچاق سلاح به جنبش صدر مطرح کنند و ایران را عامل درگیری‌های داخلی عراق بدانند. برای همین آن‌ها سعی کردند با بهره‌گیری از احساسات مردم عراق، افکار عمومی این کشور را علیه ارتش المهدی بسیج کنند. آن‌ها دلیل خود را برای اثبات ادعایشان ارتباط نزدیک مقتدا صدر با جمهوری اسلامی ایران دانستند (عبدالله پور، ۱۳۸۵: ۶۷). اما در مقابل این اتهامات مقامات دولت نوری مالکی این سخن‌ها را رد کرده و آن را دیدگاه دولت عراق ندانستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). نوری مالکی هیچگاه از اتهامات علیه ایران حمایت نکرده و همواره ایران را مدافع امنیت در عراق دانسته نه عامل ناامنی و اغتشاش در این کشور. نوری مالکی مدعی شد که پس از توقیف مجموعه عظیمی از سلاح‌های ارتش المهدی در داخل و اطراف کربلا مشخص شده است که منشأ هیچ کدام از این سلاح‌ها ایرانی نیست و همین خود نشان از عدم حمایت ایران از جیش المهدی برای ایجاد جنگ داخلی در عراق می‌دهد (اخبار شیعیان، ۱۳۸۷: ۳۸). علاوه بر اظهارات نوری مالکی و عدم ایرانی بودن سلاح‌های ارتش المهدی می‌توان به شواهد دیگری اشاره کرد که جمهوری اسلامی ایران خواهان ناامنی و جنگ داخلی در عراق نیست. برای مثال در جریان جنگ دوم بین جنبش صدر با دولت عراق و ارتش آمریکا، این ایران بود که باعث پایان یافتن این جنگ شد. روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز بعد از برقراری صلح میان طرفین در گزارشی نوشت: ایرانی‌ها با حمایت از دولت عراق، پس از سفر هیأتی از اعضای شیعه پارلمان عراق به تهران، به پایان دادن به این بن‌بست کمک کردند (اخبار شیعیان، ۱۳۸۷: ۳۹). صدریون از یکسو عدم مداخله ایران در امور و امنیت عراق را خواهان هستند و بر خروج نیروهای ایرانی از عراق و محکوم کردن مجلس اعلا و حزب الدعوه به دلیل همکاری با ایران تأکید دارند و از سوی دیگر، به رغم تصورات اولیه در خصوص رقابت نجف و قم، روحانیان ارشد دو حوزه علمیه صادفانه و با صمیمیت نسبت به یکدیگر رفتار می‌کنند (Nasr, 2006: 1).

در مورد زمینه‌های مهم برای همگرایی میان جریان صدر و جمهوری اسلامی می‌توان اشاره کرد که جریان صدر هر چند با جمهوری اسلامی در برخی زمینه‌ها اختلاف دارد اما اشتراکاتی هم وجود دارد که سیاستگذاران جمهوری اسلامی می‌تواند بر روی آن سرمایه‌گذاری کنند. باری مبانی فکری این جریان مبنی بر ضرورت نقش‌آفرینی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی و رویه انقلابی جریان با آرمان‌ها و اهداف جمهوری اسلامی هم‌راستا است. این امر می‌تواند یکی از عوامل مهم برای جمهوری اسلامی جهت تقویت این جریان باشد. در همین راستا و با توجه به روابط نزدیک سید حسن نصرالله با رهبری این جریان و مشی انقلابی آن، جمهوری اسلامی می‌تواند در جهت تشکیل سازمان حزب‌الله

عراق نیز تلاش کند. البته به جهت ساختار جمعیتی و قومیتی عراق و شباهت آن با لبنان تأسیس چنین سازمانی دور از انتظار نیست.

از آنجایی که پیروان مقتدا صدر را بیشتر اقشار مستضعف تشکیل می‌دهند از دیگر اقداماتی که جمهوری اسلامی در جهت نزدیکی با این جریان می‌تواند انجام دهد می‌توان به خدمات مالی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی به پیروان این جریان اشاره کرد. جمهوری اسلامی همچنین باید سعی کند در زمینه کاهش و برطرف کردن اختلافات میان مقتدا صدر و آیت‌الله سیستانی تلاش کند.

۴. حوزه سید صادق شیرازی

تاریخچه شکل‌گیری جریان شیرازی‌ها در عراق به دوران رژیم بعثی و مرجعیت سید محمد شیرازی برمی‌گردد. وی از روحانیان مبارز و بانفوذ در میان شیعیان عراق (کربلا) محسوب می‌شد. با درگذشت آیت‌الله حکیم وی خود را به عنوان مرجعیت شیعیان کربلا معرفی کرد. هرچند که اعلام مرجعیت ایشان با استقبال حوزه‌های نجف و قم مواجه نشد اما وی تا سال ۱۳۸۰ شمسی در قم به فعالیت‌های خود ادامه داده بودند. در مورد مواضع و اقدامات ایشان نسبت به جمهوری اسلامی باید اشاره کرد که وی در ابتدای حضور امام در دهه چهل در عراق از ایشان استقبال کرد و روابط نزدیکی با امام برقرار کرده بود اما به تدریج نسبت به امام و انقلاب زاویه پیدا کرد. با درگذشت آیت‌الله محمد شیرازی رهبری جریان شیرازی‌ها به دست سید صادق شیرازی افتاد.

سید صادق شیرازی از همان ابتدای به دستگیری حوزه شیرازی‌ها دشمنی و کینه خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان داد. به طوری که مراسم خاکسپاری برادر خود (سید محمد شیرازی) را هم دستمایه‌ای برای انتقاد، افترا و اتهام زنی به جمهوری اسلامی قرار داد و با تهیج پیروان خود در قم اعتراضات و آشوب‌هایی برپا داشتند. این در حالی بود که مقام معظم رهبری ضمن تقدیر از خدمات سید محمد شیرازی به اسلام و بزرگداشت مقام ایشان، دستور فرمودند تا ایشان در جوار ضریح حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شود. از دیگر موضع‌گیری‌های ایشان علیه جمهوری اسلامی می‌توان به اعتراض و محکوم کردن اعدام منافقین در دهه شصت و حمایت از اعتراضات و آشوب‌های سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. این جریان با تفسیر خاص خود از تعالیم شیعه جریانی ضد عقلی و بیشتر مناسک گرا را رواج داده است. از این رو می‌کوشند چهره‌ای متفاوت از شیعه که مذهب عقل و علم و عشق و مهربانی است، معرفی کند. هدف این جریان از اتخاذ چنین رویه‌ای اولاً ایجاد دشمنی و جدایی میان اهل سنت و شیعه و دوم اینکه چهره شیعیان در جهان را مخدوش کند (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۳: ۳). این جریان همچنین می‌کوشد تا سنجش اعلیت و فقاقت مراجع را از مجامع علمی حوزه خارج نموده و آن را به دست مردم واگذار نماید تا با ابزارهای رسانه‌ای همچون ماهواره‌ها، شخصیت‌های موردنظر خویش را به عنوان مرجعیت شیعه بشناساند. تأسیس شبکه ماهواره‌ای مرجعیت که تنها به تبلیغ مرجعیت سید صادق شیرازی می‌پردازد، در همین راستا دیده می‌شود. متأسفانه در این شبکه ماهواره‌ای حتی از مراجع سنتی و مورد قبول این جریان نیز سخنی به میان نمی‌آید (مسائلی، ۱۳۹۴: ۳).

جریان شیرازی‌ها در انتخابات پالمانی عراق در سال ۲۰۱۴ تحت لیست "ائتلاف الرفاه و السلام(الشیرازیة)" حضور پیدا کرده بود. اما علیرغم بزرگنمایی تبلیغاتی خود مبنی بر حمایت گسترده مردم کربلا از این جریان، عملاً نتایج انتخابات بیانگر واقعیت دیگری بود. واقعیت حاکی از این بود که حتی یک نفر هم از "ائتلاف الرفاه و السلام(الشیرازیة)" منتسب به سید صادق شیرازی، به پارلمان راه پیدا نکرد. این جریان در جهت تبلیغ مبانی فکری و اندیشه‌ای خود تلاش می‌کند در عرصه رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی حضور گسترده‌ای داشته باشد. هم اکنون چندین شبکه ماهواره‌ای از قبیل امام حسین، فدک، سلام، بقیع، الزهرا و ... وابسته به این جریان است که ضمن تبلیغ در جهت شیعه افراطی نسبت به جمهوری اسلامی هم انتقادات شدیدی می‌کند. این شبکه‌ها بدون هیچ مشکلی در کشور انگلیس به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. با توجه به هزینه‌های بالای اداره شبکه‌های ماهواره‌ای و حضور مستمر رهبران این جریان در لندن، ابهاماتی در خصوص نحوه و منبع تأمین کننده بودجه این جریان در خارج به وجود آورده است.

رهبری جریان شیرازی‌ها در لندن بر عهده سید مجتبی شیرازی (برادر سید صادق) و داماد ایشان یاسر الحیب است. این اشخاص نیز در ضدیت و توهین به نظام جمهوری اسلامی و شخص مقام معظم رهبری از هیچ اقدامی فروگذاری نکردند و با افکار انحرافی و خارج از تعالیم اسلام چهره شیعه و اسلام را در کشورهای اروپایی مخدوش کردند. همچنین اینان در مخالفت با مذهب تسنن و مراجع شیعی دارای اندیشه تقریب بین المذاهب اسلامی مواضع تند و انتقادات شدیدی دارد. در همین ارتباط مسئولین جمهوری اسلامی ضمن مقابله با توطئه چینی‌های این جریان بر آگاهی و بصیرت بیشتر مردم تأکید دارند. مقام معظم رهبری در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۹۴ ضمن تبیین اختلاف افکنی آمریکا و انگلیس در میان شیعه و سنی اشاره می‌کند که: «به این هم شیعه توجه کند هم سنی. گول بازی دشمن را نخورند. آن تسننی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن صادر شود به دنیا، این‌ها مثل هم هستند. هر دو برادران شیطان هستند و هر دو عوامل آمریکا و غرب و استکبار هستند». همچنین ایشان در هفته وحدت سال ۱۳۹۳ اشاره می‌کند که: «آن تشیعی که با MI6 انگلیس مرتبط است و آن تسننی که مزدور CIA است هر دو ضد اسلام و ضد پیامبرند». ایشان همواره بر ضرورت اتحاد دنیای اسلامی و پرهیز از سوءظن و اهانت فرق مختلف شیعه و سنی نسبت به یکدیگر تأکید کردند. در همین رابطه ایشان طی حکمی اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام حرام دانست. این حکم که شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم - حضرت محمد (ص) می‌شد؛ مانند آبی بر آتش فتنه، "لندن‌نشینان" را ناکام گذاشت و بازتاب گسترده‌ای هم در میان رسانه‌ها به ویژه اهل سنت داشت.

در مورد همگرایی جمهوری اسلامی با این حوزه باید اشاره کرد که نه تنها همگرایی وجود ندارد بلکه میان حوزه شیرازی‌ها و جمهوری اسلامی واگرایی وجود دارد. این در حالی است که هم مراجع و رهبری و هم مسئولین جمهوری اسلامی در مناسب‌های مختلف در جهت حفظ وحدت شیعیان و هم برای نگهداشتن آن‌ها زیر پرچم جمهوری اسلامی تلاش‌ها و دلجویی‌های بسیاری کرده‌اند اما این حوزه از یکسو به سبب تفسیر خاص از مبانی شیعه و از سوی دیگر به دلیل پشتیبانی کشورهای غربی، هیچ‌گاه به دنبال همگرایی با جمهوری اسلامی نبوده است.

اصلی‌ترین راه مقابله با این جریان در به چالش کشیدن تفکرات آنها در عرصه فرهنگی است. بیان نقاط ضعف و انحرافات آنان برای جوانان، برگزاری جلسات هم‌اندیشی در رسانه‌ها، جلسات آگاه‌سازی مسئولین هیئات مذهبی، تشریح و تبیین همسویی اهداف این جریان با استکبار جهانی، جلوگیری از فعالیت‌های میدانی این جریان و تبیین اسلام ناب محمدی و تشیع حقیقی را از دیگر راه‌های مقابله با این جریان است. ورود به عرصه‌ی فرهنگی برای مقابله با این جریان، ضروری است. آنچه باید در این مقابله فرهنگی بدان پرداخت شود، تبیین و روشنگری مبانی تشیع ناب اسلامی در قبال مسائلی است که پایه‌های فکری این جریان شناخته می‌شود. این جریان به دلیل آنکه در داخل عراق به ویژه در کربلا دارای پیروانی است، در سال‌های اخیر در مسیر پیاده‌روی شیعیان در اربعین حسینی نسبت به تبلیغ سید صادق شیرازی اهتمام بسیاری دارند. به نظر می‌رسد بهترین راهکار مقابله با آسیب‌های چنین گروه‌هایی در راهپیمایی اربعین، حضور پررنگ و با برنامه جریان تشیع حقیقی و انقلابی در این همایش عظیم است تا مشخص شود که جریان انقلاب اسلامی نه تنها اقلیت نیست بلکه گفتمان مورد قبول اکثریت شیعیان و بلکه بسیاری از مسلمانان است. همچنین اگر چه نذورات فراوانی توسط ارادتمندان به امام حسین (ع) برای پذیرایی از زائران اربعین فراهم می‌شود، ولی باید نذورات تبلیغی و فرهنگی به زبان‌های مختلف را در مسیر راهپیمایی اربعین افزایش داد، تا بصیرت مذهبی و سیاسی شیعیان در مقابل چنین جریان‌هایی افزایش یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد با ظهور عراق جدید و با توجه به اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی، روابط دو کشور ایران و عراق می‌تواند یک روند همگرایی و با ثباتی را با شتاب مناسب طی نماید؛ زیرا در این صورت عراق می‌تواند مشکلات ژئوپلیتیکی خود را در یک چارچوب همکاری با ایران به‌خوبی حل و فصل نماید. با در نظر گرفتن سؤال و فرضیه پژوهش نتیجه می‌گیریم که احزاب و جریان‌های شیعی چه در قالب دولت عراق و چه خارج از ساختار دولتی می‌بایست در مسیر همگرایی با ایران قدم بردارند. ضرورت چنین همگرایی را می‌بایست در سایه عواملی چون وضعیت منطقه خاورمیانه، نزدیکی ژئوپلیتیکی و اشتراک فرهنگی و مذهبی، بی‌ثباتی امنیتی و سیاسی عراق و مؤلفه‌های اقتصادی جستجو کرد. به همین جهت همگرایی و نزدیکی هرچه بیشتر احزاب و گروه‌های شیعی به ایران می‌تواند تضمین‌کننده کارآمدی عملکرد و حضور فعال آنان در روند تحولات عراق باشد. اگر نگاه اجمالی بر تحولات عراق بیندازیم شاهد آن هستیم که گروه‌ها و احزاب مختلف از هر نژاد و مذهبی برای تعریف خود و نقش‌آفرینی در صحنه سیاسی عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در ائتلاف هستند. به طوری که کشورهای عرب سنی نشین منطقه که تاب حضور فعال شیعیان در عراق را نداشتند با پشتیبانی از گروه‌های سنی افراطی سعی در برهم زدن توازن قدرت در عراق و به حاشیه رفتن شیعیان را دارند. شیعیان نیز می‌بایست در جهت همگرایی بیشتر با جمهوری اسلامی قدم بردارند. این همگرایی می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت سیاست‌ها و اقدامات احزاب شیعه در آینده عراق باشد. تجربه هم نشان داده که جمهوری اسلامی همواره به دنبال قدرت‌گیری و نقش‌آفرینی این گروه‌ها در داخل عراق و چه بسا در سطح منطقه‌ای بوده است. از همین رو برجسته کردن نقش نیروهای شیعه به عنوان خط مقدم مبارزه با تروریسم (داعش) در سطح جهانی از نمونه‌های آن است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی به عنوان کشوری قدرتمند و بانفوذ در منطقه خاورمیانه و به واسطه آرمان‌ها و اهداف انقلابی و ضد استکباری خود، می‌تواند پشتیبان و حامی مورد اعتماد گروه‌ها و احزاب شیعه عراقی باشد. به عنوان مثال اگر حضور فعال جمهوری اسلامی در مبارزه با داعش نبود چه بسا که این گروه تکفیری بر کل جغرافیای عراق مسلط می‌شد.

با توجه به اشتراکات و آرمان‌های عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در مذهب شیعه، موضوعاتی از قبیل اسرائیل، سیاست مداخله‌گرانه آمریکا و قدرت‌های فرا منطقه‌ای و مسئله فلسطین، تروریسم افراطی، یمن، بحرین از جمله مسائلی هستند که هر دو طرف می‌توانند با داشتن سیاست خارجی هماهنگ به نقطه مشترک و عطفی در این زمینه برسند. یکی دیگر از منافع که شیعیان عراق در همگرایی با ایران از آن بهره می‌برند سازماندهی و کادر سازی منسجم نخبگان سیاسی شیعیان در کارزارهای انتخاباتی، تشکیل دولت و سیاست خارجی است. شیعیان عراق هرچند سابقه طولانی در مبارزات سیاسی علیه حکومت بعثی را دارند اما در زمینه حکومتداری و مدیریت کشور در منطقه، دارای تجربه اندکی هستند از

این رو همگرایی با ایران ضمن سنجیده‌تر کردن مواضع و مؤثر واقع شدن سیاست‌های آنان؛ در بازسازی سیاسی و اقتصادی عراق نیز کمک می‌کند.

از دیگر مزایای همگرایی با جمهوری اسلامی برای احزاب و گروه‌های شیعه را می‌توان در میانجی‌گری و نقش متوازن‌تر قدرت در میان گروه‌های شیعه به حساب آورد. از آنجایی که احزاب و گروه‌های شیعه در برخی خط‌مشی‌ها دارای اختلافاتی با همدیگر هستند، همگرایی با ایران در کاهش اختلافات و درگیری‌های آن‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود برای نمونه می‌توان به اختلاف جریان صدر و دیگر گروه‌های عراقی بر سر نخست‌وزیری مجدد نوری المالکی اشاره کرد که با وساطت ایران و مرجعیت بیدار آیت‌الله سیستانی، عراق از یک بحران داخلی رهایی یافت و حیدر العبادی به عنوان جانشین وی انتخاب شد.

علاوه بر این با توجه به اوضاع و شرایط اقتصاد بین‌الملل، همگرایی دو کشور در بعد اقتصادی می‌تواند از پیامدهای ظهور عراق جدید تلقی گردد. ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی در آینده که همگونی فرهنگی و ایدئولوژیک عامل شتاب‌زای آن است، از زمینه‌های همگرایی بین دو کشور محسوب می‌گردد. توجه به عوامل مشترک اقتصادی مانند همکاری در زمینه تولید و صادرات، همکاری مشترک در زمینه استخراج، تولید و صادرات نفت، رفع محدودیت‌های عراق در دسترسی به خلیج فارس، و همکاری‌های تجاری زمینه‌های مناسبی برای تسریع روند همگرایی دو کشور است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

منابع فارسی

۱. اخبار، شیعیان (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)، شیعیان عراق، قم، ماهنامه تحلیلی و خبری شیعیان جهان، شماره ۲۹ و ۳۱.
۲. ادیبی لاریجانی، محمدباقر (۱۳۸۷)، مرزدار مکتب اهل بیت (ع): سیری در احوال و افکار و آثار مرحوم علامه عسکری (ره)، دانشکده اصول دین، قم.
۳. پشنگ، اردشیر (۱۳۸۹)، مقتدی صدر؛ موافق فدرالیسم در کردستان عراق، تهران.
۴. تلاشان، حسن (۱۳۸۹)، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۱.
۵. دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، کیهان، تهران.
۶. دهشیار، حسین و دیگران (۱۳۸۲)، «مسائل ایران و عراق»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
۷. شاناهان، راجر (۱۳۸۷)، «توسعه سیاسی شیعه در عراق؛ حزب اسلامی الدعوه» ترجمه سید ناصر میری؛ سامان سیاسی در عراق جدید، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. صدر، محمدباقر (۱۳۶۲)، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، تهران، برهان.
۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، هلال شیعی فرصت‌ها و تهدیدات برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، دانش سیاسی، شماره ۱، تابستان.
۱۰. حیدرخانی، هابیل (۱۳۸۹)، «شیعیان عراق با تأکید بر روابط با ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
۱۱. عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۸۵)، «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۱۲. غفاری هاشجین، زاهد و حیدرخانی، هابیل (۱۳۹۱)، تعامل میان ایران و شیعیان عراق بعد از سقوط صدام، مجموعه مقالات ژئوپلیتیک شیعه، آبان ماه، تهران.
۱۳. فولر، گراهام و فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، چاپ اول، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه شناسی.
۱۴. موسوی، سیدحسین (۱۳۸۹)، چشم‌انداز عراق پس از انتخابات پارلمانی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۱۵. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳)، نقش شیعیان در فرایند دولت سازی در عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۶. المخزومی، محمد سعید (۲۰۰۳)، *المجدد الشیرازی الثانی، تحول فی التاریخ الاسلامی، المجلد الاول، بیروت: دارالعلوم.*
۱۷. حامد الخفّاف (۲۰۰۷)، *النصوص الصادرة عن سماحة السيد السيستاني فی المسألة العراقية، دارالمورخ العربی، بیروت و لبنان.*
۱۸. اسدی، مختار (۱۹۹۹)، *الصدر الثانی، الشاهد و الشهد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.*
- . رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۹۳)، «شیعه لندنی به اندازه وهابیت خطرناک است»، قابل دسترسی در:

<http://www.rasanews.ir>

۲۰. مسائلی، مهدی (۱۳۹۴)، بررسی عملکرد جریان شیرازی در تجمع اربعین ۱۳۹۴، انتشار در وبسایت

tabyincenter.ir.

۲۱. مراد ویسی، "استراتژی شیعیان عراق"، ایران دیپلماتیک، به نقل از: www.did.ir.

منابع لاتین:

1. Ehteshami, A. (2007), "**The Middle East: Between Ideology and Geo - Politics**". In Mary Buckley and Robert Singh, Eds. *The Bush Doctrine War on Terrorism*, London: Routledge.
2. Escobar, pepe (2007), "**Shiitestan**" in Michel Korinam and John Laughland, eds. *Shia Power: Next Target Iran?* London: Vallentin.
3. Faleh Abdul-Jabar (2003), **the Shiite Movement in Iraq**, London.
4. Katzman, Kenneth (2007), "**Iran's in Flunce Influence**". CRS Report for Congress, June 13.
5. Nasr, Vali (2006), "**When the Shiites Rise**". *Foreign Affairs*. July/ August - Sefr al-Hawali (1991), Kissinger sPromise and the American Aims in the Gulf, Riyadh: al-Saudia.